حسین علیه‌السلام و مهدی (عج)

● محمدرضا فؤادیان

مقدمه

از نوای غریبانه استغاثهٔ امام حسین علیه‌السلام، سال‌ها و قرن‌ها می‌گذرد، اما انعکاس آن را می‌توان در لحظه لحظه تاریخ به‌گوش جان شنید، این فریاد نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته، بلکه هر روز رساتر و پرصلابت‌تر، خروش وجوشش آزادگان عالم را افزوده است.

گویا امام حسین علیه‌السلام سال‌ها و قرن‌ها چشم به راه دوخته و به انتظار نشسته است؛ تا امام عصر (عج)، ندایش را پاسخ گوید؛ پرچم بر زمین مانده‌اش را به دوش گیرد؛ داغ‌های کهنه‌اش را التیام بخشد و آرمان‌های بلندش را لباس تحقق بپوشاند. روز ظهور، هنگام پاسخ به استغاثهٔ مظلومانهٔ امام حسین علیه‌السلام است و حضرت مهدی علیه‌السلام پاسخ دهندهٔ آن. در این گسترهٔ بی‌انتها و افق‌های دور آن، کسی به خروش و التهاب فرزندش که برای رسیدن آن روز، گذر آرام آرام و جانکاه لحظه‌ها را به تماشا

می‌نشیند و روزها و سال‌ها را با چشمان منتظرش بدرقه می‌کند وجود ندارد.

به راستی چه رمزی مهر سکوتْ بر لبان بسته و چه سرّی در این میان رخ پنهان کرده است؟ چرا یاد امام حسین علیه‌السلام همیشه و همه جا، همراه و هم پای یاد حضرت مهدی علیه‌السلام است؟ چرا هر جا سخن از حسین علیه‌السلام است، نام حضرت مهدی علیه‌السلام نیز رخ می‌گشاید؟ چرا عاشورا روز «ظهور» است و یاد حسین علیه‌السلام آغازین کلام مهدی علیه‌السلام...؟

این گفتار می‌کوشد گوشه‌هایی از این ارتباط و پیوست را، از منظرهای مختلف و در ابعاد گوناگون بررسی کند و فهرست وار آنها را در چهار بخش (همراه با قرآن، همراه با روایات، ادعیه و زیارات، تشرفات) و یک خاتمه برشمارد تا به عنوان دستمایهٔ برخی از محققان و مبلغان و نیز ابزاری برای تحقیق و پژوهش بیشتر و مقدمه‌ای برای کشف زوایایی دیگر از حقایق نورانی حیات این دو امام همام علیه‌السلام باشد. گرچه بررسی و تحلیل این پیوستگی‌ها و نیز نتایج و آثار آن، مجالی دیگر و فرصتی فراخ‌تر می‌طلبد و گشودن گره اسرار این پیوستگی‌ها، دل‌هایی راز دان و جان‌هایی آگاه از آن اسرار را می‌طلبد.

همراه با قرآن

۱. امام حسین علیه‌السلام از نگاه امام مهدی (عج)

سعد بن عبدالله قمی گوید: به امام عصر ـ اوراحنا له الفداه ـ عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! تأویل آیه «کهیعص» چیست؟ فرمود: «**هذه الحروف من انباء الغیب، اطلع الله علیها عبده زکریا، ثم قصّها علی محمد** صلی‌الله‌علیه‌وآله **و ذلک ان زکریا سأل ربه ان یعلّمه اسماء الخمسة فاهبط علیه جبرئیل فعلّمه ایاها...**؛[1] این حروف از اخبار غیبی است که خداوند زکریا را از آن مطّلع کرده و بعد از آن داستان آن را به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله باز گفته است...».

داستان از این قرار است که: زکریا از پروردگارش درخواست کرد که «اسماء خمسهٔ طیّبه» را به وی بیاموزد. خداوند، جبرئیل را بر او فرو فرستاد و آن اسماء را به او تعلیم داد.

زکریا چون نام‌های محمد، علی، فاطمه، و حسن (علیهم السلام) را یاد می‌کرد، اندوهش بر طرف می‌شد و گرفتاریش از بین می‌رفت. و چون حسین علیه‌السلام را یاد می‌کرد، بغض و غصّه، گلویش را می‌گرفت و می‌گریست و مبهوت می‌شد.

روزی گفت: بارالها! چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می‌کنم، آرامش می‌یابم و اندوهم بر طرف می‌شود؛ اما وقتی حسین را یاد می‌کنم، اشکم جاری می‌شود و ناله‌ام بلند می‌شود؟

خدای تعالی او را از این داستان آگاه کرد و فرمود: «کهیعص»! «کاف» اسم کربلا و «هاء» رمز هلاک عترت طاهره است، و« یاء» نام یزید ظالم بر حسین علیه‌السلام و «عین» اشاره به عطش و «صاد» نشان صبر او است.

زکریا چون این مطلب را شنید، نالان و غمین شد و تا سه روز از عبادتگاهش بیرون نیامد، و به کسی اجازه نداد که نزد او بیاید. و گریه و ناله سر داد و چنین نوحه گفت:

بارالها! از مصیبتی که برای فرزند بهترین خلایق خود، تقدیر کرده‌ای دردمندم.

خدایا! آیا این مصیبت را بر آستانهٔ او نازل می‌کنی؟ آیا جامهٔ این مصیبت را بر تن علی و فاطمه می‌پوشانی!؟ آیا این فاجعه را بر ساحت آنان فرود می‌آوری؟

بعد از آن گفت: بارالها! فرزندی به من عطا کن تا در پیری چشمم به او روشن شود و او را وارث و وصیّ من قرار ده؛ آنگاه مرا دردمند او گردان؛ همچنان که حبیبت محمد را دردمند فرزندش گرداندی.

خداوند، یحیی را به او بخشید و او را دردمند وی ساخت. و دورهٔ حمل یحیی شش ماه بود و مدت حمل امام حسین علیه‌السلام نیز شش ماه بود و برای آن نیز قضیه‌ای طولانی است.

۲. امام مهدی (عج)، از نگاه امام حسین علیه‌السلام

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: حارث اعور به امام حسین علیه‌السلام عرض کرد: «یابن رسول

الله! جعلت فداک: اخبرنی عن قول الله فی کتابه «والشمس و ضحیها» قال: و یحک یا حارث، ذلک محمد رسول الله ﷺ، قلت: جعلت فداک: قوله: «والقمر اذا تلیها»، قال: ذلک امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب یتلو محمداً، قال: قلت: «و النهار اذا جلّیها»، قال: ذلک القائم من آل محمد، یملأ الارض قسطا و عدلا؛[2] ای زاده رسول خدا! فدایت شوم. مرا از معنای آیه شریفه والشمس و ضحیها [سوگند به خورشید و گسترش نور آن] مطّلع ساز. حضرت فرمود: مراد از خورشید، رسول الله ﷺ می‌باشد.

پرسید: فدایت شوم! منظور از آیهٔ شریفه «والقمر اذا تلیها» [سوگند به ماه چون پس از آن آید.] چیست؟

فرمود: منظور از ماه، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که بعد از پیامبر ﷺ می‌باشد.

گفت: مقصود از آیهٔ شریفه «والنهار اذا جلّیها» [و سوگند به روز و چون آن را روشن سازد] چیست؟

فرمود: مقصود از روز، قائم آل محمد (عج) است که زمین را پر از قسط و عدل کند».

۳. امام مهدی (عج) و امام حسین علیه‌السلام

خداوند متعال می‌فرماید: «**و لا تقتلوا النفس التی حرّم الله الا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیّه سلطانا، فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا**[3]؛ کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، به قتل نرسانید، مگر به حق و آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است».

سلاّم بن مستنیر می‌گوید: امام محمد باقر علیه‌السلام دربارهٔ آیهٔ «**و من قتل مظلوما**» فرمود: «او حسین بن علی علیه‌السلام است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم. و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون امام حسین علیه‌السلام بر آید؛ پس می‌کشد تا جایی که گفته می‌شود اسراف در قتل کرده است. مقتول، حسین علیه‌السلام و ولیّ او قائم (عج) است. و اسراف در قتل این است که غیر قاتل او کشته شود. او منصور است؛ زیرا از دنیا نمی‌گذرد تا این که یاری شود به مردی از خاندان پیامبر خدا که زمین را پر از قسط و عدل کند، همچنان‌که پس از جور و ظلم شده باشد».[4]

قندوزی حنفی نیز می‌گوید: «از امام علی الرضا فرزند موسی الکاظم (رضی الله

عنهما) رسیده که آن حضرت فرمود: آیهٔ «و من قتل مظلوما»[5] دربارهٔ حسین و مهدی علیهما السلام نازل شده است».

همراه با روایات

۱. امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام

در ۳۰۸ روایت، وارد شده که امام مهدی (عج) نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است و در بیشتر احادیثی که از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ حضرت ولی‌عصر (عج) آمده، به آن حضرت به عناوینی چون: «از تبار پسرم حسین» و «از نسل این پسرم»، «نهمین فرزند پسرم حسین» معرفی شده است.[6] که مجموع روایات پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه ۱۸۵ حدیث می‌باشد.[7]

در این جا چند روایت از قول امام حسین علیه السلام نقل می‌شود:

۱. مردی از طایفه همدان می‌گوید: «**سمعت الحسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام یقول: قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی و هو صاحب الغیبة و هو الذی یقسّم میراثُه و هو حیّ**؛[8] از امام حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: قائم این امت نهمین از فرزندان من است و او صاحب غیبت است، و او کسی است که میراثش را در حیاتش تقسیم می‌کنند».

۲. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «**کان رسول الله یقول فی بشرنی به، یا حسین! انت السید ابن السید، ابوالسادة تسعة من ولدک ائمة ابرار امناء معصومون و التاسع مهدیّهم قائمهم. انت الامام بن الامام، ابوالائمة تسعة من صلبک ائمة ابرار و التاسع مهدیهم یملأ الدنیا قسطا و عدلا، یقوم فی آخر الزمان کما قمت فی اوله**؛[9] رسول خدا صلی الله علیه و آله در بشارتی به من فرمود: ای حسین! تو سید پسر و پدر ساداتی، و «نه» فرزند از تو، امامان ابرار و امین و معصوم‌اند، و نهمین آنان مهدی قائم (عج) است. تو امام پسر امام و پدر ائمه هستی و نه فرزند از پشت تو ائمه ابراراند و نهمین آنان، مهدی است که دنیا را در آخر الزمان، پر از عدل و قسط می‌کند...»... .

۲. نسب حضرت مهدی (عج) از زبان امام حسین علیه السلام

سالار شهیدان، فرزندش امام مهدی علیه السلام را فرزند حضرت فاطمه علیها السلام می‌خواند. آن حضرت فرمود:

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمودند: «**المهدیّ من ولد فاطمة**؛[10] مهدی از فرزندان فاطمه است».

در روایت دیگری امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به فاطمه زهرا علیهاالسلام فرمود: «**اِبشری یا فاطمة! المهدی منک**؛ ای فاطمه! بشارت بر تو باد، که مهدی (عج) از فرزندان توست».[11]

۳.القاب امام مهدی (عج) از زبان امام حسین علیه‌السلام

امام زمان علیه‌السلام القاب مبارکی دارند که بعضی از آن‌ها، مستقیماً با «عاشورا» در ارتباط است و بعضی از لقب‌های مقدس آن‌حضرت، بر زبان جد بزرگوارشان علیه‌السلام جاری شده است.

عیسی الخشاب می‌گوید: از محضر امام حسین علیه‌السلام سؤال کردند: آیا شما صاحب این امر هستید؟

فرمود: «**لا و لکن صاحبُ الامر الطرید الشرید الموتور بابیه، المکنی بعمّه، یضع السیف علی عاتقه ثمانیة اشهر**؛[12] نه من نیستم، بلکه صاحب این امر کسی است که از میان مردم کناره گیری می‌کند و خون پدرش بر زمین می‌ماند و کنیهٔ او کنیه عمویش خواهد بود. آن‌گاه شمشیر بر می‌دارد و هشت ماه تمام شمشیر بر زمین نمی‌گذارد».

«طرید» و «شرید» که هر دو به یک معنا است ـ از القاب حضرت ولی عصر (عج) به شمار می‌آید. این دو عبارت در زبان امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به کار رفته، و معنای آن کنار زده و رانده شده است. حاجی نوری (ره) در معنای «شرید» می‌گوید: «رانده شده از مردمی که آن حضرت را نشناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شکرگزاری و مقام حقش بر نیامدند؛ بلکه پس از این‌که از دست یافتن بر او ناامید شدند، به قتل و قمع ذرّیهٔ طاهرهٔ ایشان پرداختند و به کمک زبان و قلم، سعی بر بیرون راندن نام و یاد او، از قلوب و اذهان مردم کردند».[13]

علامهٔ مجلسی (ره) دربارهٔ این حدیث می‌فرماید: «الموتور بابیه»؛ یعنی، کسی که پدرش را کشته‌اند و طلب خونش را نکرده‌اند. مراد از «والد»، امام حسن عسگری

علیه‌السلام، یا امام حسین علیه‌السلام و یا جنس والد است که شامل همه ائمه علیهم‌السلام می‌شود، و «مکنی بعمه» شاید کنیه برخی از عموهای حضرت، ابوالقاسم باشد، یا این‌که امام زمان (عج) کنیه‌اش ابوجعفر، ابی الحسن و یا ابی محمد باشد. بعید نیست علت تصریح نکردن به اسم حضرت و آوردن کنیه، به جهت خوف از عموی حضرت باشد. و قول وسط، ظاهرتر است».[۱۴]

۴.توصیف امام حسین علیه‌السلام از زبان امام مهدی علیه‌السلام

حضرت مهدی (عج)، امام حسین علیه‌السلام را این‌گونه توصیف فرموده است: «**کنت للرسول ولداً و للقرآن سندا و للامّة عضُدا و فی الطاعة مجتهدا حافظا للعهد و المیثاق ناکبا عن سبُل الفسّاق تتاوّة تأوّه المجهود طویل الرکوع و السجود زاهداً فی الدنیا زهد الرّاحل عنها ناظراً بعین المستوحشین منها**؛[۱۵] تو ای حسین! برای «رسول خدا» فرزند و برای «قرآن» سند و برای «امت»، بازویی بودی. در طاعت خدا تلاشگر و نسبت به عهد و پیمان، حافظ و مراقب بودی. از راه فاسقان سر بر می‌تافتی. آه می‌کشیدی؛ آه آدمی که به رنج و زحمت افتاده است. رکوع و سجود تو طولانی بود. زاهد و پارسای دنیا بودی؛ زهد و اعراض کسی که از دنیا رخت بر کشیده است و با دیدهٔ وحشت زده بدان نگاه می‌کردی».

در این عبارت، بسیار جالب و جامع، جد بزرگوار خود امام حسین علیه‌السلام را با ده عنوان وصف کرده است:

- امام حسین علیه‌السلام فرزند رسول خدا است؛
- او سند و پشتوانهٔ قرآن است؛ هر آنچه در قرآن، در قالب الفاظ است، در وجود مطهر امام حسین علیه‌السلام رؤیت و مشاهده می‌شود؛
- توان اسلام، امامت است و امام حسین علیه‌السلام بازوی پرتوان امّت و دین اسلام در همهٔ اعصار است؛
- در راه اطاعت پروردگار، سخت کوش و تلاشگر بود. عبادت آن حضرت (نماز و دعاء خصوصاً دعای عرفه) مایهٔ اعجاب است.
- آن بزرگوار، نگه‌دار عهد و میثاق است و با خدا و خلق او در عهد و پیمان،

استوار و ثابت و باوفا است؛

● آن حضرت از راه و روش فاسقان روی گردان بود و از راه مسامحه و مداهنه وارد نمی‌شد؛

● آه امام حسین علیه‌السلام دردمندانه بود؛ مانند کسی که بار سنگینی از غصه دردل دارد و درد سینه‌اش جراحتی التیام ناپذیر است؛

● آن حضرت رکوع‌ها و سجده‌های طولانی داشت. که نمونه‌های آن در تاریخ ثبت و درج شده است؛

● سید الشهدا علیه‌السلام، نسبت به دنیا زاهد و بی علاقه بود. و زهد با عمل این خاندان معنا می‌گیرد؛

● نظر او به دنیا، نظر وحشت زدگان بود و آنجایی‌که نظر دیگران به دنیا نظر عاشقانه بود، نظر آن حضرت به دنیا، مانند انسان وحشت زده بود.[۱۶]

۵. قائم و عاشورا

«قائم» از القاب خاصهٔ حضرت حجت (عج) است که در بیشتر روایات شیعه وارد شده و اطلاق آن بر هیچ یک از معصومین دیگر روا نیست.

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: به امام محمد باقر علیه‌السلام عرض کردم: ای فرزند پیامبر! آیا شما همه قائم نیستید و حق را به پا نمی‌دارید؟ پس چرا تنها ولی عصر را قائم می‌خوانند؟ فرمود: «**لمّا قتل جدّی الحسین ضجّت الملائکه بالبکاء و النحیب و قالوا الٰهنا أتصفح عمن قتل صفوتک و ابن صفوتک و خیرتک من خلقک؟... فاوحی الله الیهم قرّوا ملائکتی فوعزّتی و جلالی لانتقمنّ منهم و لو بعد حین...ثم کشف لهم عن الائمة من ولد الحسین فسرّت الملائکة بذلک ورأوا احدهم قائماً یصلی، فقال سبحانه: بهذا القائم انتقم منهم**؛ چون جدم حسین علیه‌السلام کشته شد، فرشتگان صدا به گریه و ناله بلند نموده و عرض کردند: پروردگارا! آیا قاتلان بهترین بندگانت، و زادهٔ اشرف برگزیدگانت را به حال خود وا می‌گذاری؟ خداوند به آنها وحی فرستاد: ای فرشتگان من! آرام گیرید. به عزّت و جلالم سوگند، از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند

بعد از گذشت زمان‌ها باشد. آن‌گاه پروردگار عالم پرده از جلو دیدگان آنان کنار زد و امامان از فرزندان امام حسین علیه‌السلام را یکی پس از دیگری به آنها نشان داد. فرشتگان از این منظره، مسرور و شادمان گردیدند و دیدند که یکی از آن بزرگواران، ایستاده مشغول نماز است. خداوند فرمود: با این قائم (شخص ایستاده) از آنان (قاتلان حسین علیه‌السلام) انتقام خواهم گرفت».[۱۷]

محمد بن حمران می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: چون جریان شهادت امام حسین علیه‌السلام واقع شد، فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و خروش بر آورده، به خداوند عرض کردند: بار خدایا! آیا با حسین که انتخاب شدهٔ تو و فرزند پیامبر تو اینچنین رفتار شود؟ خداوند شبح و سایه قائم را در برابر آنان در حالت ایستاده مجسم کرد و فرمود: با این (قائم) از ستم کنندگان به حسین انتقام خواهم گرفت.[۱۸]

۶. غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام، از نگاه امام حسین علیه‌السلام

امام حسین علیه‌السلام دربارهٔ غیبت امام زمان علیه‌السلام می‌فرماید: «**لصاحب هذا الامر غیبتان، احدهما تطول حتی یقول بعضهم: مات و بعضهم قتل و بعضهم ذهب و لا یطّلع علی موضعه احد من ولی و لا غیره الاالمولی الذی یلی امره**؛[۱۹] برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آنها آن‌قدر به طول می‌انجامد که گروهی می‌گویند: [مهدی] مرده و برخی گویند: کشته شده و بعضی گویند: رفته است. احدی از دوستان و غیره، از اقامتگاه او آگاه نمی‌شود، جز خدمت‌گذاری که متصدی امور اوست».

هم چنین می‌فرماید: «**... له غیبة یرّتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون، فیؤذَوْن و یقال لهم: متی هذا الوعدان کنتم صادقین. اما ان الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله**صلی‌الله‌علیه‌وآله؛[۲۰] برای او غیبتی است که گروه‌هایی در آن از دین بر می‌گردند و گروه‌هایی دیگر بر آیین خود استوار می‌مانند و در این راه آزارها می‌بینند. به آنان گفته می‌شود: این وعده کی واقع خواهد شد اگر راستگو هستید؟ آنان که بر این آزارها و تکذیب‌ها صبر کنند، همانند کسی‌اند که شمشیر به دست گرفته و در پیشاپیش رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله جهاد می‌کند.

۷. بشارت ظهور از زبان امام حسین علیه‌السلام

بشارت به ظهور امام عصر (عج) حقیقتی شعف‌انگیز است که از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام نوید آن داده شده است. سالار شهیدان در این زمینه می‌فرماید: «**منّا اثنی عشر مهدیّاً، اوّلهم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو الامام القائم بالحق یحیی الله به الارض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین کلّه و لو کره المشرکون...**؛ دوازده مهدی از ما هست که نخستین آنان علی بن ابی طالب و آخرین آنان نهمین فرزند من است که او امام قائم به حق است، خداوند زمین مرده را به وسیلهٔ او زنده می‌کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می‌گرداند...».[۲۱]

عبدالله بن عمر می‌گوید: «**سمعت الحسین بن علی علیه‌السلام یقول: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لَطوَّلَ اللّه عزّوجلّ ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولدی فیملاها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما، کذلک سمعتُ رسول الله یقول**؛[۲۲] از حسین بن علی علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی فرماید تا آنکه مردی از فرزندان من خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد نماید، همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد، من از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این چنین شنیدم».

۸. علایم ظهور از زبان امام حسین علیه‌السلام

ریحانهٔ رسول خدا، حسین بن علی علیه‌السلام دربارهٔ علایم ظهور فرزندش امام عصر (عج) می‌فرماید: «**للمهدیّ خمس علامات: السّفیاني، و الیماني، و الصیحة من السماء، و الخسف بالبیداء و قتل النفس الزکیة**؛[۲۳] برای مهدی ما پنج علامت است: خروج سفیانی، خروج یمانی، بانگ آسمانی، خسف سرزمین بیداء (فرو رفتن لشگر سفیانی در سرزمین بیدا)، قتل نفس زکیّه».[۲۴]

در روایتی دیگر، خراب شدن دیوار مسجد کوفه از سمت خانه عبدالله بن مسعود[۲۵] و دیدن علامتی در آسمان (مانند آتش[۲۶]) را از نشانه‌های ظهور، بیان فرموده است.

۹. دلدادگی حضرت مهدی (عج) به امام حسین علیه‌السلام

خدمت در محضر امام حسین علیه‌السلام و توفیق یاری حضرت و شمشیر زدن در رکاب

او، بزرگترین توفیقات الهی بود که نصیب عده‌ای از خواص عصر امام حسین علیه‌السلام شد. همچنان‌که فراهم نمودن شرایط و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر (عج) و توفیق جنگیدن در رکاب آن بزرگوار، از دیگر موهبت‌های الهی است که نصیب عده‌ای از خواص می‌شود. در عظمت و شرافت خدمت‌گذاری، نصرت به آن آستان بلند، همین بس که امام زمان (عج) نیز عاشق جدّ بزگوار خود و مشتاق خدمت به او است. آن حضرت در زیارت ناحیهٔ مقدسه[۲۷] می‌فرماید: «**و لئن اخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقدور لأُندّبنّک صباحاً و مساءً و لأبکِینّ لک [علیک] بدل الدموع دماً**؛ اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مقدّرات از یاری و نصرت تو در روز عاشورا باز داشت، هر آینه من صبح و شام بر تو ندبه می‌کنم و به جای قطرات اشک، بر تو خون می‌گریم».

آری یاری امام مهدی (عج)، عبادتی بزرگ است، چراکه در حقیقت خدمت به تمام پیامبران و اوصیا و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد؛ زیرا او آخرین حجت الهی است و ارادهٔ خداوند بر آن تعلق یافته که زحمات طاقت فرسای همهٔ پیامبران را، به دست با کفایت آخرین حجت خود به ثمر رساند. اگر نهضت جهانی آن ولی الله اعظم (عج)، از برنامهٔ جهانی خلقت حذف شود، برنامهٔ همهٔ پیامبران عقیم گشته و هدف نهایی فرستادن رسولان و تشریع ادیان ضایع و تباه می‌شود.[۲۸]

خدمت به امام عصر علیه‌السلام، مطلوب امام صادق علیه‌السلام نیز بوده است. «خلاّد ابن قصّار می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا قائم متولد شده است؟ فرمود: «**لا ولو ادرکته لخدمته ایام حیاتی**؛ نه متولد نشده ولی اگر من او را درک می‌کردم، همهٔ عمر را با خدمت‌گزاری او سپری می‌کردم».[۲۹] هنگامی که امام معصوم علیه‌السلام در حق حضرت بقیة الله (عج) چنین تعبیری به کار می‌برد؛ مقام رفیع یاران آن حضرت و ارزش خدمت به آیین «انتظار» روشن می‌شود.

۱۰. عاشورا روز ظهور

دربارهٔ روز قیام و ظهور حضرت، روایات مختلفی وارد شده است. که در آنها، روز نوروز، عاشورا، شنبه و یا جمعه، روز ظهور معرفی شده است.

البته از آن جایی که نوروز، طبق سال شمسی و عاشورا، بر اساس سال قمری محاسبه می‌شود، یکی شدن این دو روز امکان‌پذیر است و هم زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است.

اما روایاتی که روز ظهور را، دو روز از هفته بیان کرده، قابل توجیه است؛ یعنی، در صورت صحیح بودن سند این روایات، احادیث روز جمعه به روز «ظهور» و روایات روز شنبه به روز «استقرار و تثبیت قیام حضرت و نابودی مخالفان» تفسیر می‌شود. البته روایات روز شنبه، از نظر سند مورد تامل و بررسی است؛ ولی روایات روز جمعه از این نظر ایرادی ندارد.[۳۰] اما آنچه مهم است، این که قیام حضرت ولی عصر (عج)، مصادف با روز شهادت سیدالشهداء علیه‌السلام است و این مطلب ما را به ارتباط ویژهٔ صاحبان این دو قیام رهنمون می‌سازد.

امام محمد باقر علیه‌السلام فرموده است: «**کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی: البیعة لله فیملأها عدلاکما ملئت ظلما و جورا**؛[۳۱] گویا حضرت قائم(عج) را می‌بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند: بیعت برای خدا است. پس زمین را پر از عدل می‌کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

امام جعفر صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «**ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه لیلة ثلاث و عشرین و یقوم یوم عاشورا یوم قتل فیه الحسین بن علی** علیه‌السلام؛[۳۲] قائم ـ درود خدا بر او باد ـ در شب بیست و سوم ماه رمضان، به نام [شریفش] ندا می‌شود، و درروز عاشورا، روزی که حسین بن علی علیه‌السلام، در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».

۱۱. یاد امام حسین علیه‌السلام نخستین کلام حضرت مهدی علیه‌السلام

در روایاتی چند، به مطالب و سخنان نخستینِ امام زمان علیه‌السلام اشاره شده است؛ از جملهٔ آنها روایتی است که محدث بزرگوار شیخ علی یزدی حائری (ره) نقل کرده است. او می‌گوید: «زمانی که قائم آل محمد ظهور کند، ما بین رکن و مقام می‌ایستد و پنج ندا می‌دهد:

۱. «**الا یا اهل العالم انا الامام القائم**؛ آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم»؛

۲. «الا یا اهل العالم انا الصمصام المنتقم؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده»؛

۳. «الا یا اهل العالم ان جدّی الحسین قتلوه عطشانا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جدّ من حسین را تشنه کام کشتند»؛

۴. «الا یا اهل العالم ان جدّی الحسین طرحوه عریانا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جدّ من حسین را عریان روی خاک افکندند»؛

۵. «الا یا اهل العالم ان جدی الحسین سحقوه عدوانا؛ آگاه باشید ای جهانیان که جدّ من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند».

امام زمان (عج) ابتدا خود را چنین به جهانیان معرفی می‌کند: که قائم و شمشیر انتقام منم؛ قیام نمودم تا انتقام خون جدم حسین علیه‌السلام ـ که او را تشنه لب شهید کرده، بدن مطهرش را عریان روی خاک افکندند و پایمال کردند ـ بگیرم.

آری اولین کلام حضرت مهدی(عج)، یاد امام حسین علیه‌السلام است که همواره یاد او، در دل هر انسان آزاد مرد و طالب حقی زنده است و این مصیبت عظمیٰ، جز با ظهور فرزندش تسلّی نمی‌یابد.

۱۲. حضرت مهدی(عج) تکمیل کنندهٔ سفر امام حسین علیه‌السلام

یکی از رابطه‌های دقیق بین این دو امام همام علیه‌السلام و قیامشان، مرکز حکومت آن دو است. امام حسین علیه‌السلام از مکه به جانب کوفه، رهسپار بود و شاید با رسیدن به کوفه، مانند پدر بزرگوار خود آن‌جا را مقر حکومت خویش قرار می‌داد؛ ولی سپاهیان یزید، راه را بر آن حضرت بستند و او در دوم محرم، در کربلا منزل نمود.

زمانی که خورشید تابناک مکه، ظهور کند، کوفه را به عنوان مقر حکومت خود بر خواهد گزید. امام محمد باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «مهدی قیام می‌کند و به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آن‌جا قرار می‌دهد».[۳۳]

هم چنین می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند وبه کوفه برود، هیچ مؤمنی نخواهد بود، مگر آن که در آن شهر، در کنار مهدی سکونت می‌گزینند، یا به آن شهر می‌رود».[۳۴]

ابوبکر حضرمی می‌گوید: به امام محمد باقر یا امام صادق علیهما السلام گفتم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش با فضیلت‌تر است؟ فرمود: «ای ابابکر! سرزمین کوفه که جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده‌اند. آن جا عدالت الهی پدیدار می‌گردد و قائم به عدل و قیام کنندگان پس از او از همان جا خواهند بود. آن‌جا، جایگاه پیامبران و جانشینان صالح آنان است».[۳۵]

امام صادق علیه السلام از مسجد سهله یاد کرد و فرمود: «آن خانهٔ صاحب ما (مهدی موعود) است؛ زمانی که با خاندانش در آن‌جا سکونت گزینند».[۳۶]

از مجموع این روایات فهمیده می‌شود که شهر کوفه، پایگاه اصلی فعالیت‌ها و مرکز فرمانروایی امام زمان(عج) خواهد بود، پایگاهی که زمانی مقر حکومت امیرمؤمنان علیه السلام بود و امام حسین علیه السلام به آن سو می‌رفت.

۱۳. خون خواهی حضرت مهدی(عج) از قاتلان امام حسین علیه السلام

سالار شهیدان به فرزندش امام سجاد علیه السلام فرمود: «سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی را برانگیزد. او به انتقام خون من، از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می‌کشد».[۳۷]

هروی می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! نظرتان درباره این سخن امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند، بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام به کیفر کردار پدرانشان کشته می‌شوند» چیست؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: «این سخن صحیح است».

گفتم: پس این آیه قرآن «و لاتزر وازرةٌ وزر أخری» چه معنایی دارد؟ فرمود «آنچه خداوند می‌فرماید صحیح است؛ ولی بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام، به کردار پدرانشان خوشحال‌اند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده است. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل

است. و این که قائم، فرزندان قاتلان امام حسین را هنگام ظهورش نابود می‌سازد، برای این است که آنان از کردار پدرانشان خشنودند.»[۳۸]

۱۴. یاری امام حسین علیه‌السلام، یاری امام مهدی(عج)

یکی دیگر از جلوه‌های روشن ارتباط بین این دو اختر تابناک آسمان ولایت و امامت یاری نمودن امام حسین علیه‌السلام است که در حقیقت این یاری، نصرت امام عصر (عج) می‌باشد. امام حسین علیه‌السلام در این زمینه در شب عاشورا به اصحاب خود فرمود: «... **و قد قال جدّی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: ولدی حسین یُقتل بطفّ کربلا، غریباً وحیداً عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده الحجة** [علیه‌السلام]...؛ همانا جدّم رسول خدا[صلی‌الله‌علیه‌وآله] فرمودند: فرزند من حسین [علیه‌السلام] در زمین کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی‌کس، کشته می‌شود، کسی که او را یاری کند مرا یاری نموده و فرزندش مهدی [علیه‌السلام]را یاری نموده است...».[۳۹]

۱۵. فرشتگانِ یاور امام حسین علیه‌السلام، یاوران مهدی(عج)

یکی از ویژگی‌های قیام یوسف زهراء، برخورداری از نصرت الهی به وسیله فرشتگان است. شیخ صدوق(ره) در روایت ریّان بن شبیب، از حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند: «**و لقد نزل الی الارض من الملائکة اربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث غُبرٌ الی ان یقوم القائم فیکونون من انصاره و شِعارُهم یا لثاراتِ الحسین**؛[۴۰] به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین [علیه‌السلام] به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین [علیه‌السلام] کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسین است».

به راستی، چه ارتباطی میان این دو کوکب درخشان آسمان ولایت ـ که ملک و ملکوت، عرش و فرش همه از یگانگی آن دو سخن می‌گویند ـ وجود دارد. هر کجا حسین علیه‌السلام است، مهدی(عج) نیز هست و هر کجا مهدی(عج) است، حسین علیه‌السلام نیز می‌باشد. ذکر و نام آن یکی، با یاد و نام دیگری قرین و عجین است. از امام زمان (عج)؛ سید الشهدا علیه‌السلام را می‌طلبند و از سید الشهداء امام زمان را.

۱۶. حضرت مهدی(عج) ویرانگر مساجد چهار گانه

امام عصر(عج) از بین برندهٔ و محو کنندهٔ تمام آثار شرک و نفاق است؛ از این رو عاشقان هر صبح آدینه، زمزمهٔ «**این هادم ابنیة الشرک و النفاق**» را سر می‌دهند و منتظرند تا حضرت ظهور کند و کاخ ظلم و ستم، استبداد و بناهای نفاق را نابود سازد. به همین جهت او مساجدی را که به شکرانهٔ کشتن امام حسین علیه‌السلام بنا شده است، ویران خواهد کرد.

امام محمد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این مساجد می‌فرماید: «در کوفه به دلیل شادی از کشتن، حسین علیه‌السلام، چهار مسجد ساخته شد: مسجد اشعث، جریر، سمّاک و شبَث بن رِبعی»[۴۱] ابو بصیر می‌گوید: امام محمد باقر علیه‌السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می‌سازد...».[۴۲] این مساجد اگر چه هم اکنون موجود نیست؛ ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام، آنها را دوباره بسازند.[۴۳]

همراه ادعیه و زیارات

با بررسی «ادعیه و زیارات» مربوط به سید الشهدا علیه‌السلام و امام عصر (عج) به ارتباط وثیق و تنگاتنگ میان این دو نور پاک پی می‌بریم؛ چرا که هر دو در ماه شعبان به دنیا آمده‌اند و در روز تولد حسین علیه‌السلام باید به یاد مهدی(عج)، بود و در روز تولد مهدی(عج)، باید حسین علیه‌السلام را یاد کرد. در دعای هر یک، باید جملاتی را زیر لب زمزمه نمود که یاد دیگری را در دل زنده می‌کند. در این قسمت، نمونه هایی چند از این حقیقت اشاره می‌شود:

۱. یاد حضرت مهدی(عج)، در میلاد امام حسین علیه‌السلام

شیعیان و شیفتگان مذهب جعفری، در روز میلاد سالار شهیدان (سوم شعبان)، یاد فرزندان آن حضرت را نیز در دل‌ها تازه‌تر می‌کنند. در توقیع مبارک حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام برای قاسم بن علاء همدانی آمده است: در روز تولد امام

حسین علیه‌السلام این دعا را بخوان: «**اللهم انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماءُ و من فیها و الارض و مَن علیها... المعوّض من قتله ان الائمة من نسله و الشّفاء فی تربته و الفوز معه فی أوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته**؛[۴۴] خداوندا! من تو را به مقام مولود این روز می‌خوانم. او پیش از آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر کس در آن بود و زمین و هر کس بر روی آن بود، بر او گریه کرد... . او که در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن غیبت او می‌باشد».

و در لوحی که به نام مقدس فاطمه علیهاالسلام معروف است[۴۵]، ارتباط محکم و راستینی بین امام حسین علیه‌السلام و حضرت حجت (عج) وجود دارد. این لوح به مناسبت تولّد امام حسین علیه‌السلام توسط جبرئیل امین به رسم چشم روشنی از طرف خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هدیه شد. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را مطالعه می‌کنند و می‌فرمایند: «سزاوار نیست که این چشم روشنی به شخصی غیر از فاطمه زهرا علیهاالسلام سپرده شود.

نکتهٔ مهم آن، زمان فرستادن (تولد امام حسین) و محتویات و مطالب آن (یاد مهدی علیه‌السلام) است.

وقتی به نام مقدس امام حسین علیه‌السلام می‌رسد، می‌فرماید: «**... جعلت کلمتی التامّة معه و حجتی البالغة عنده...**؛ کلمهٔ تامه و حجت بالغهٔ خود (امام زمان) را با حسین و نزد او قرار دادم».[۴۶]

۲. یاد حسین علیه‌السلام، در میلاد امام زمان (عج)

یکی از شب‌های با عظمت سال، شب تولد یوسف زهرا علیهاالسلام است که در روایت، افضل شب‌های سال بعد از شب قدر شمرده شده، و در آن احیاء و شب زنده داری توصیه شده است.

عاشقان حضرت در آن شب، یاد حضرت اباعبدالله علیه‌السلام را در دل‌های خود احیاء می‌کنند و با زیارت عاشورا جان خود را صفا می‌بخشند، چرا که شب امام عصر (عج)، شب زیارتی مخصوص سالار شهیدان فرزند فاطمه زهرا علیهاالسلام است.

محدث بزرگوار، شیخ عباس قمی(ره) در «مفاتیح الجنان» می‌نویسد: با فضیلت‌ترین اعمال شب نیمه شعبان ـ که باعث آمرزش گناهان است ـ زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌باشد. هر که می‌خواهد، روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین علیه‌السلام را زیارت کند. اقل زیارت آن حضرت آن است که به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند، سپس سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند: «**السلام علیک یا اباعبدالله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته**»[۴۷]

در قسمت «زیارات» نیز می‌نویسد: احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در نیمهٔ شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام و امام جعفر صادق علیه‌السلام وارد شده که: هر که بخواهد با او ۱۲۴ هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام را در نیمهٔ شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می‌طلبند و به زیارت آن حضرت می‌آیند. پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز با ایشان‌اند.

۳. شب قدر و یاد امام حسین علیه‌السلام

شب قدر، شب امام زمان علیه‌السلام است. وملائکه و روح بر آن حضرت نازل شده، تقدیر امور رادر اختیار او می‌گذارند. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در تفسیر سورهٔ قدر فرموده‌اند: فرشتگان در این شب، مقدّرات یک‌سال را نزد ولی مطلق زمان آورده، بر او عرضه و تسلیم می‌کنند.[۴۸]

در چنین شبی ـ که به حجت بن الحسن العسکری علیه‌السلام تعلق دارد ـ یاد جدّبزرگوارش در دل‌ها زنده می‌شود؛ چرا که یکی از اعمال مستحبی شب قدر، زیارت امام حسین علیه‌السلام است. شیخ عباس قمی(ره) می‌نویسد: «بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام در ماه مبارک رمضان ـ خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر ـ بسیار است. از حضرت امام محمد تقی علیه‌السلام منقول

است که هر که زیارت کند، امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان ـ و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدّر می‌شود ـ مصافحه کند با او روح ۱۲۴ هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب.

از حضرت صادق علیه السلام مروی است: چون شب قدر می‌شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می‌کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده، آمرزید.

و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگزارد، نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید. و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو».[۴۹]

۴. دعای ندبه و یاد امام حسین علیه السلام

یکی از دعاهای بسیار مهم و با ارزش در میان شیعه، دعای «ندبه» است که عاشقان حضرت ولی عصر(عج) هر صبح جمعه دور هم گرد آمده و با خواندن آن، با حضرتش تجدید عهد و پیمان می‌کنند این دعا سندی صحیح دارد و بخش عمده و چشمگیر آن، التجاء به مهدی موعود و تأسّف از غیبت و دردمندی از فراق آن بزرگوار است و بخش هایی از این دعاء، مربوط به جدّ بزرگوار امام زمان (عج) سالار شهیدان است؛ مانند: «**این الحسن؟ این الحسین؟ این ابناء الحسین**؛ حسن علیه السلام کجا است؟ حسین علیه السلام چه شد؟ فرزندان حسین کجایند و چه شدند؟».

قسمت دیگری از این دعای شریف «**این الطالب بدم المقتول بکربلا؟**؛ کجاست آن طالب خون شهید کربلا؟» که از حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار است.

ندبه کنندگان مهدی(عج)، منتظرانِ منتقم آل محمدند تا تقاص خون به ناحق

ریختهٔ فرزند فاطمه علیها السلام را بگیرد و موجب شادی و بهجت قلب نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله شود.

آری صبح جمعه و دعای سوزان ندبه، در فراق امام زمان و یاد سید الشهدا علیه السلام است. و چه بسا همین یاد امام حسین علیه السلام در صدق و صفای این دعا، اثری ژرف به جای نهد.

۵. زیارت عاشورا و یاد مهدی(عج)

«زیارت عاشورا»، که از سوی امام محمد باقر علیه السلام، به شیعیان و شیفتگان تعلیم داده شده است مضامین والایی دارد.

در یکی از قسمت‌های زیارت چنین آمده است: «**ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد** صلی الله علیه و آله؛ همانا از خداوند می‌خواهم خون خواهی تو را در کنار امام یاری شدهٔ از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روزیم گرداند».

زائر در این فقره، مشارکت در خون‌خواهی امام حسین علیه السلام به وسیلهٔ امام زمان علیه السلام را طلب می‌کند، چراکه مقصود از امام منصور، دوازدهمین پیشوای شیعیان حضرت ولی عصر(عج) می‌باشد و علت این که او را منصور نامیده‌اند، این است که ایشان در طلب خون جدشان یاری می‌شوند.

امام محمد باقر علیه السلام در شرح آیهٔ شریفه «**و من قُتل مظلوماً**» فرمودند: «**سمّی المهدی المنصور کما سمّی احمد محمداً و کما سمّی عیسی المسیح**؛ مهدی [عج]، منصور نامیده شد، همان طوری که احمد، به محمد [ص] و عیسی به مسیح [ع] نامیده شد».[۵۰]

محمد بن مسلم می‌گوید: شنیدم اباجعفر فرمود: «قائم ما منصور به رعب و مؤیّد به نصر است...»[۵۱]

۶. روز عاشورا و یاد حضرت مهدی(عج)

جلوه‌ای دیگر از ارتباط دو فرزند زهرا علیها السلام، روز عاشورا است، که دل عزاداران باید به عشق ولی‌عصر بتپد و ذکر قیام اباعبدالله، با یاد امام زمان (عج)، توأم باشد.

صالح بن عقبه از پدرش نقل می‌کند: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «هر کس حسین

بن علی علیهما السلام را در روز دهم محرم زیارت کند تا آن که نزد قبر آن حضرت گریان شود، خداوند ـ تبارک و تعالی ـ ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد به او عطا کند که ثواب آن‌ها، مثل ثواب کسی است که درخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام حج و عمره و جهاد کرده باشد.

راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد که در مثل این روز به سوی قبر آن حضرت رود، آیا برای او ثوابی است؟

امام علیه السلام فرمود: هرگاه چنین باشد به سوی صحرا یا بربلندی بام خانه خود رود و به سوی حضرت اشاره کند و سلام دهد و در نفرین بر قاتلان وی جدیت نماید و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند. این کار را در اوایل روز انجام دهد و خود بر امام حسین علیه السلام بگرید و کسانی را که در خانه‌اش هستند، نیز به گریه بر آن حضرت وا دارد. و یکدیگر را به این که در شهادت امام حسین علیه السلام مصیبت زده شده‌اند، تعزیت گویند. و هرگاه چنین کنند، همه آن ثواب ها را برای آنان ضامنم.

گفتم: یکدیگر را چگونه تعزیت بگویند ؟

حضرت فرمودند بگویند: «**اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام**؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولیّ امام حسین، امام مهدی[عج] از آل محمد علیهم السلام طلب خون آن حضرت کرده و به خون‌خواهی او برخیزیم».[۵۲]

۷. شعار سپاه حضرت مهدی(عج)

در شعارهای لشکر آن حضرت ـ که برگرفته از شعور عمیق آنان است ـ به روشنی می‌توان یاد و خاطره امام حسین علیه السلام را مشاهده کرد.

در یکی از «زیارات جامعه» در قسمت سلام به حضرت مهدی(عج) آمده است: «**السلام علی الامام الغائب عن الابصار و الحاضر فی الامصار و الغائب عن العیون و الحاضر فی الافکار، بقیة الاخیار، وارث ذی الفقار، الذی یظهر فی بیت الله الحرام ذی الاستار و ینادی**

بشعار یا لثارات الحسین، انا الطالب بالاوتار، انا قاصم کلّ جبار؛[۵۳] سلام و درود بر امامی که از دیده‌ها پنهان است و در شهرها حاضر؛ آن که از دیده‌ها، نهان است و در دلها حاضر؛ باقی ماندهٔ اخیار و خوبان؛ و وارث شمشیر ذوالفقار؛ آن بزرگواری که در بیت الله الحرام ـ که دارای پرده‌ها است ـ ظاهر می‌شود و به شعار «یا لثارات الحسین» ندا می‌کند و می‌فرماید: منم مطالبه کننده خون های به ناحق ریخته؛ منم شکنندهٔ هر ستمگر جفا پیشه».

و یاران حضرت مهدی(عج) نیز به پیروی از امامشان، شعار یا لثارات الحسین سر می‌دهند. محدث بزرگ مرحوم حاجی نوری(ره) ازکتاب غیبت فضل بن شاذان نقل کرده: «ان شعار اصحاب المهدی(عج) یا لثارات الحسین علیه‌السلام؛ به درستی که شعار یاوران مهدی(عج) یا لثارات الحسین است».[۵۴] امام صادق علیه‌السلام هم می‌فرماید: «شعار یاران حضرت مهدی یا لثارات الحسین (ای خونخواهان حسین علیه‌السلام) است».[۵۵]

چهار: همراه با تشرفات

۱. حضرت مهدی(عج) و گریه بر امام حسین علیه‌السلام

سید بحر العلوم (ره) روزی به قصد تشرّف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه دربارهٔ این مسأله که «گریهٔ بر امام حسین علیه‌السلام گناهان را می‌آمرزد» فکر می‌کرد. همان وقت متوجه شد که شخص عربی، سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد. بعد در لحظه‌ای پرسید: جناب سید! دربارهٔ چه چیز به فکر فرو رفته‌ای؟ و در چه اندیشه ای؟ اگر مسالهٔ علمی است مطرح کنید، شاید من پاسخش را بدانم. سید بحر العلوم فرمود: در این‌باره فکر می‌کنم که چطور می‌شود، خدای تعالی این همه ثواب به زائران و گریه کنندگان بر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام می دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می‌دارد، ثواب یک حج و یک عمره در نامهٔ عملش نوشته می‌شود و برای یک قطرهٔ اشکی تمام گناهان صغیره و کبیره‌اش آمرزیده می‌شود؟

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل حل شود.

سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می‌رفت. در شکارگاه از همراهیانش دور

افتاد و به سختی فوق العاده‌ای افتاد و بسیار گرسنه شد. خیمه ای را دید و وارد آن جا شد. در آن سیاه چادر، پیرزنی را با پسرش دید. آنان درگوشه خیمه بز شیرده‌ای داشتند، و از راه مصرف شیر این بز، زندگی خود را می‌گذراندند. وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی برای پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند؛ زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد.

در نهایت از ایشان سؤال کرد: اگر بخواهم پاداش مهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حاضران گفت: به او صد گوسفند بدهید. و دیگری که از وزیران بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید.

سلطان گفت: هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم، آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام؛ چون آنان هر چه را که داشتند به من دادند. من هم باید هر چه را که دارم، به ایشان بدهم تا مقابله به مثل شود.

بعد سوار عرب پرسید فرمود: حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سیدالشهدا علیه السلام، هر چه از مال و منال، اهل و عیال، پسر و برادر، دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد، پس اگر خداوند به زائران و گریه کنندگان، آن همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب کرد؛ چون خدا ـ که خدائیش را نمی‌تواند به سیدالشهدا علیه السلام بدهد ـ پس هر کاری که می‌تواند، انجام می‌دهد؛ یعنی، با صرف نظر از مقامات عالی خودش، به زائران و گریه کنندگان آن حضرت، درجاتی عنایت می‌کند. در عین حال اینها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی داند.

چون شخص عرب این مطالب رافرمود، از نظر سید بحر العلوم غایب شد.[۵۶]

۲. حضرت مهدی(عج) و عزاداری امام حسین علیه السلام

یکی از ویژگی های بارز و از خصایص برجستهٔ علامه بحر العلوم (ره)، ارادت وصف‌ناپذیر و شور و عشق خالصانهٔ او به سالار شهیدان و ارج نهادن به سوگواری

برای آن حضرت و بزرگداشت روزهای جاودانه تاسوعا و عاشورا بود. در این رابطه، علامهٔ بحر العلوم، حضرت ولی عصر(عج) را نیز در صف عزاداران می‌بیند که قضیه از این قرار است:

روز عاشورایی بود و موج سوگواران از هر سو، به سوی کربلا در حرکت بود. علامهٔ بحرالعلوم(ره) نیز به همراه گروهی از طلاب، به استقبال عزاداران و سینه زنان حرکت کردند. در فاصلهٔ نه چندان دوری از کربلا، محلی به نام «طُوَیرج» هست که دسته سینه زنی آنان و سبک سوگواریشان مشهور بود.

هنگامی که علامه و همراهانش به آنان رسیدند، ناگهان علامه با آن کهولت سن و موقعیت اجتماعی و علمی، لباس خویش را به کناری نهاده، و سینهٔ خویش را گشود و در صف سینه زنان، با شوری وصف‌ناپذیر به سینه زدن پرداخت.

علما و طلاب که همراه او جهت استقبال سوگواران و دسته‌های عزاداری آمده بودند، هر چه تلاش کردند تا مانع کار او شوند و از شور و احساسات گرم و عارفانهٔ او بکاهند، نه تنها موفق نشدند؛ بلکه گروهی از آنان، چنان تحت تاثیر او قرار گرفتند که به او پیوستند و گروهی دیگر نیز برای حفظ او ـ که مبادا بر اثر موج جمعیت زیر دست و پا بیفتد و دچار ناراحتی و صدمه شود ـ به مراقبت از او پرداختند.

سرانجام مراسم پرشور سوگواری و سینه زنی پایان یافت و آن سید بزرگوار، لباس خود را پوشیده، به خانه بازگشت. یکی از خواصّ، از او پرسید: چه رویدادی پیش آمد که شما چنان دچار احساسات پاک و خالصانه شدید که آن گونه سر از پا نشناخته، لباس از تن در آوردید و به سینه زنان پیوستید؟

آن مرحوم در پاسخ گفت: حقیقت آن است که با رسیدن به دستهٔ سوگواران و سینه زنان، به ناگاه چشمم به محبوب دل‌ها، کعبهٔ مقصود و قبلهٔ موعود، امام عصر علیه‌السلام افتاد و دیدم آن گرامی مرد عصرها و نسل‌ها، با سر و پای برهنه در میان انبوه سینه زنان، در سوگ پدر والایش حسین علیه‌السلام با چشمانی اشک‌بار به سر و سینه می‌زند. به همین جهت آن منظره مرا به حالی انداخت که قرارم از کف رفت و سر از

پا نشناخته، وارد صف سوگواران و سینه زنان شدم ودر برابر کعبه مقصود و قبلهٔ موعود، به سوگواری پرداختم.[۵۷]

۳. حضرت مهدی(عج) و زیارت امام حسین علیه‌السلام

حاج علی بغدادی می‌گوید: [در تشرف خود] به حضرت صاحب الامر علیه‌السلام عرض کردم: ای سرور ما! مسأله‌ای دارم؟ فرمود: بپرس. گفتم: روضه خوان‌های امام حسین علیه‌السلام، می‌خوانند که سلیمان اعمش، نزد شخصی آمد و از زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام پرسید، آن شخص گفت: بدعت است. شب آن شخص در عالم رؤیا، هودجی را میان زمین و آسمان دید، سؤال کرد: در آن هودج کیست؟ گفتند: فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهاالسلام. گفت: به کجا می‌روند؟ گفتند: امشب (شب جمعه)، برای زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌روند. همچنین دید رقعه‌هایی از هودج می‌ریزد ودر آنها نوشته است: «**امان من النار؛ لزوار الحسین فی لیلة الجمعة امان من النار یوم القیامة**؛ این برگ امانی است در روز قیامت برای زوار امام حسین علیه‌السلام در شب‌های جمعه». آیا این حدیث، صحیح است؟ فرمودند: آری! راست ودرست است.

گفتم: سیدنا! صحیح است که می‌گویند: هرکس امام حسین علیه‌السلام را در شب جمعه زیارت کند، این زیارت برگ امان از آتش است؟ فرمود: آری والله؛ و اشک از چشمانش جاری شد و گریست...[۵۸]

۴ حضرت مهدی(عج)، در سوگ امام حسین علیه‌السلام

شیخ جلیل حاج ملا سلطان علی روضه خوان تبریزی ـ که از جملهٔ عبّاد و زهّاد بود ـ نقل می‌کند.

در عالم رؤیا به حضور حضرت بقیة الله ـ ارواحنا فداه ـ مشرف شده، خدمت ایشان عرض کردم: مولای من! آنچه در زیارت ناحیه مقدسه ذکر شده که می‌فرمایید: «**فَلَاَنْدَبَنَّکَ صَباحاً و مَساءً و لاَبکِیَنَّ عَلیکَ بدل الدّموُعِ دماً**»[۵۹] صحیح است؟ فرمود: بلی صحیح است.

عرض کردم: آن مصیبتی که در آن به جای اشک خون گریه می‌کنید، کدام است؟

آیا مصیبت حضرت علی اکبراست؟ فرمود: نه، اگر علی اکبر زنده بود، در این مصیبت او هم خون گریه می‌کرد.

گفتم: آیا مصیبت حضرت عباس است؟ فرمود: نه، اگر عباس در حیات بود، او هم در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

عرض کردم: لابد مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است. فرمودند: نه، اگر حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام هم در حیات بود، در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

عرض کردم: پس این کدام مصیبت است که من نمی دانم؟ فرمودند: آن مصیبت، مصیبتِ اسیری زینب است». [۶۰]

۵. عنایت حضرت مهدی(عج) به مجالس ذکر امام حسین علیه‌السلام

از آن‌جایی که امام زمان علیه‌السلام صاحب عزای واقعی است، بدون تردید به مجالسی که برای جد بزرگوارش علیه‌السلام برگزار می‌شود، عنایت و توجّه ویژه‌ای دارد.

خطیب بزرگ شیعه، مرحوم شیخ عبدالزهراء کعبی (ره) می‌گوید: یک روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه‌السلام شدم، شخصی در مقابل یکی از حجره‌های صحن شریف ـ که کتاب‌های مذهبی می‌فروخت و ما با من سابقه آشنایی داشت. مرا دید و گفت: کتاب کوچکی دارم که به نظرم برای شما خوب باشد و در آن اشعاری بسیار زیبا دارد. قیمت آن هم این است که یک بار آن را برایم بخوانی.

کتاب راگرفتم. خیلی کتاب مفید و سودمندی بود؛ زیرا اشعار قصیدهٔ ابن عَرَنْدَس حلّی ـ که مدت‌ها دنبال آن می‌گشتم ـ در آن بود. در یکی از رواق‌ها نشسته، به خواندن آن اشعار برای کتاب فروش مشغول شدم و هر دو اشک می‌ریختیم که ناگهان سیدی از بزرگان عرب را دیدم که در برابرم ایستاده به اشعارم گوش می‌دهد و گریه می‌کند.

چون به این بیت رسیدم:

ایقتل ظمآناً حسین بکربلا و فی کل عضوٍ من انامِله بحرُ

گریه آن بزرگوار شدید شد، رو به ضریح امام حسین علیه‌السلام کرد؛ این بیت را تکرار

می‌نمود و همچون زن جوان مرده می‌گریست. همین که اشعار را به پایان رساندم، دیگر آن بزرگوار را ندیدم. برای دیدن ایشان، از صحن خارج شدم تا شاید او را بیابم؛ ولی ایشان را ندیدم. به هر کجا رو نمودم، اثری نیافتم؛ گویا از برابر چشمم غایب شده است. به یقین دانستم که حضرت حجت و امام منتظر علیه السلام بوده است.[۶۱]

علامهٔ امینی (ره) در الغدیر[۶۲] می‌گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیة الله ـ روحی له الفداه ـ به آن مجلس می‌شود. ما برای تیمن و تبرک چند بیت این قصیده را ذکر می‌نماییم.

ایـــقتل ظـمآناً حسـین بکـربلا — و فـی کـلّ عـضو مـن انـامله بـحر
و والدهُ الساقی علی الحَوْض فی غـدٍ — و فـاطمه مـاء الفـرات لهـا مـهر
فوالهف نـفسی للـحسین و مـا جـنی — علیه غداة الطـف فـی حـربه الشـمر

۶. سفارش حضرت مهدی(عج) به زیارت عاشورا

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می‌کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نـافله شب)، زیـارت جـامعه و زیـارت عـاشورا را می‌دهد و بعد از آن می‌فرماید: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله نافله، نافله! شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه![۶۳]

«خاتمه»

دولت حضرت مهدی(عج) و رجعت امام حسین علیه السلام

«رجعت» مسأله‌ای است که در زمان ظهور نمود پیدا می‌کند و حـضرت ولی عـصر علیه السلام صاحب رجعت است. اولین امامی که در دولت کریمه رجعت می‌کند، امام‌حسین علیه السلام است و بعداز امام زمان، حضرت سید الشهدا ۷، حاکم و امام حکومت می‌باشد.

۱. رجعت امام حسین علیه‌السلام

بعد از حضرت حجت علیه‌السلام اولین شخصی که رجعت می‌کند و بر سراسر گیتی حکومت می‌کند، امام حسین علیه‌السلام است و در این قسمت به پاره‌ای از روایات در این‌باره، اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «اولین کسی که زمین بر رویش شکافته می‌شود و به دنیا بر می‌گردد، حسین بن علی است».[۶۴]

آن حضرت هم چنین فرمود: اولین کسانی که به دنیا بر می‌گردند، حسین بن علی علیه‌السلام و یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند که همهٔ آنها را از اول تا آخر می‌کُشد». سپس امام صادق علیه‌السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «**ثم رددنالکم الکرّة علیهم و امددناکم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیراً**؛[۶۵] پس شما را بار دیگر بر آنها مسلّط کنیم و با مال و فرزندان یاری رسانیم و تعدادتان را افزون‌تر کنیم».[۶۶]

و امام محمد باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: امام حسین علیه‌السلام شب عاشورا به اصحابش فرمود:«... **فابشروا بالجنة، فوالله انما نمکث ماشاء الله تعالی بعد ما یجری علینا، ثم یخرجنا الله و ایّاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین، و انا و انتم نشاهدهم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...**؛ بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال...»[۶۷]

و امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، دوباره از «رجعت» خود سخن گفته، می‌فرماید: «من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم».[۶۸]

و در زیارت حضرت ابوالفضل علیه‌السلام می‌خوانیم: «**جئتک یابن امیرالمؤمنین وافداً الیکم و قلبی مسلم لکم... فمعکم معکم لامع عدوکم انی بکم و بایابکم من المؤمنین و بمن خالفکم و قتلکم من الکافرین**؛ ای پسر امیرمؤمنان! من به محضر شما شرفیاب شدم؛ در حالی که دلم تسلیم شما و

یاریم آماده برای شما است... من با شمایم، با شمایم، نه با دشمنان شما. من نسبت به شما و بازگشت شما از ایمان آورندگان و نسبت به آنان که شما را کشتند، از کافرانم».[۶۹]

۲. امام حسین علیه‌السلام در سوگ حضرت مهدی(عج)

بر اساس روایاتی که دربارهٔ رجعت وارد شده، امام حسین علیه‌السلام در اواخر حکومت ولی عصر، با اصحاب باوفایش رجعت می‌کند و برای همهٔ مردمان معرفی می‌شود، تا کسی در مورد آن حضرت دچار تردید نگردد. هنگامی که همه مردم او را شناختند، اجل حضرت بقیة الله فرا رسیده، چشم از جهان فرو می‌بندد. آن‌گاه امام حسین علیه‌السلام متصدی و متولی امر غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می‌گردد.

امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ آیهٔ شریفهٔ «**ثم رددنا لکم الکرة علیهم**»[۷۰] می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوبارهٔ امام حسین علیه‌السلام و هفتاد تن از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه‌خودهایی طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوبارهٔ حضرت حسین علیه‌السلام را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند». این در حالی است که حضرت حجت در میان مردم است؛ چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ او فرا می‌رسد. پس امام حسین علیه‌السلام متولی غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می‌شود و هرگزغیر از وصی، وصی را تجهیز و خاک سپاری نمی کند».[۷۱]

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «حسین علیه‌السلام با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان که همراه موسی علیه‌السلام هفتاد نفر فرستاده شدند. آن‌گاه حضرت قائم علیه‌السلام انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین علیه‌السلام غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد».[۷۲]

«اللّهم بحقّ الحسین اشفِ صدر الحسین بظهور الحجة»

پی‌نوشت‌ها:

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰.
۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۲.
۳. سورهٔ اسراء، آیهٔ ۳۳.
۴. تفسیر عیاشی ج ۲، ص ۲۹۰: «عن سلام بن المستنیر عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیّه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» قال: هو الحسین بن علی علیه السلام قتل مظلوما و نحن اولیاؤه، و القائم منّا اذا قام طلب بثار الحسین، فیقتل حتی یقال قد اسرف فی القتل، و قال: المقتول الحسین علیه السلام و ولیه القائم، و الاسراف فی القتل ان یقتل غیر قاتله انه کان منصورا، فانه لا یذهب من الدنیا حتی ینتصر برجل من آل رسول الله صلی الله علیه و آله یملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما». (البرهان، ج ۲، ص ۴۱۹؛ البحار، ج ۱۰، ص ۱۵۰؛ اثبات الهداة، ج۷، ص ۱۰۲)
۵. ینابیع المودة، ص ۵۹۰.
۶. یادمهدی، محمدخادمی‌شیرازی، ص ۱۶ و ص ۱۳۲.
۷. منتخب‌الاثر، آیةالله صافی گلپایگانی، ص۲۵۴.
۸. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۹۷؛ بحارالانوارج ۵۱، ص ۱۳۴.
۹. کفایة الاثر، ص ۱۶۷.
۱۰. کنوز الحقائق، (چاپ شده در حاشیهٔ جامع الصغیر) ج ۱، ص ۱۶۱. (به نقل از مهدی موعود). ج ۱، ص ۱۶۱.
۱۱. البرهان، ص ۹۴ (به نقل المهدی علی لسان الحسین، صابری همدانی، ص ۱۲، ح ۱۵).
۱۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۹۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.
۱۳. النجم الثاقب، ص ۷۸.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷.
۱۵. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۹، ح ۳۸.
۱۶. خلاصهٔ قسمت دهم مقالهٔ آیة الله کریمی جهرمی، در مجلهٔ جان جهان.
۱۷. دلائل الامامة، طبری، ص ۲۳۹.
۱۸. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۳۳.
۱۹. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۹۷؛ عقد الدرر، ص ۱۳۴.
۲۰. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ عیون‌الاخبار، ج ۱، ص ۱۸؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۳۳.
۲۱. کمال الدین، ۱، ص ۳۱۷؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.
۲۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.
۲۳. عقد الدرر، ص ۱۱۱؛ البرهان، ص ۱۱۳.
۲۴. برای توضیحات این علایم، ر.ک: غیبت نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۴۷ و ۲۵۷ و ۳۸۳؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۵ و ۲۷۴ و ۲۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱ و ۱۸۶ و ۲۳۷ و ۲۳۹ و ۲۷۸؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۸ و ۴۲۴ و سیمای آفتاب ص ۲۷۶.
۲۵. البرهان، ص ۱۱۵ (اذا هدم حائط مسجد الکوفه ممایلی دار عبدالله بن مسعود...).
۲۶. البرهان، ص ۱۰۹ (اذا رایتم علامة من السماء ناراً عظیمة...)؛ عقد الدرر، ص ۱۰۶.
۲۷. گفتنی است که این زیارت منتسب به امام عصر علیه‌السلام است؛ ولی در انتساب آن به حضرت ـ تردیدهای جدی وجود دارد. (ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰.)
۲۸. یاد مهدی، ص ۱۹۹.
۲۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.
۳۰. چشم اندازی به حکومت مهدی(عج)، نجم الدین طبسی، ص ۶۳.
۳۱. غیبة طوسی، ص ۲۷۴؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
۳۲. غیبة طوسی، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲،

ص ۲۹۰.
۳۳. قصص الانبیاء، راوندی ،ص ۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵؛ چشم انداز، ص ۱۷۰.
۳۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛ غیبة طوسی، ص ۲۷۵ بااندکی تفاوت؛ چشم‌انداز، ص ۱۷۰.
۳۵. کامل الزیارات، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص۴۱۶؛ چشم انداز، ص ۱۷۰.
۳۶. کافی، ج ۳، ص ۴۱۵؛ ارشاد، ص ۳۶۲؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳؛ غیبة طوسی، ص ۲۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.
۳۷. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹؛ چشم انداز، ص ۱۴۸.
۳۸. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵؛ چشم انداز، ص ۱۵۴.
۳۹. معالی‌السبطین، ج ۱، ص۲۰۸؛ ریاض‌القدس، ج ۱، ص۲۶۳؛ سحاب‌رحمت، ص ۳۴۲.
۴۰. امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴× ص ۲۸۵؛ مجلهٔ جان جهان، ص ۳۵.
۴۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۹.
۴۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۳ و ۲۳۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۷، ۵۶۶؛ الشیعه و الرجعة، ج ۲، ص ۴۰۰؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۴۶؛ چشم انداز، ص ۱۵۷.
۴۳. مهدی موعود(عج) ، ص ۹۴۱؛ چشم انداز، ص ۱۵۷.
۴۴. مصباح المتهجد، الیوم الثالث یوم ولد فیه الحسین علیه‌السلام ص ۷۵۸، مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان، اقبال، سید علی بن طاووس ۶۸۹، شیعه و رجعت ص ۱۹۰.
۴۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۱.
۴۶. با حسین (ع) تا مهدی (عج) سید مجتبی حسینی، ص ۲۳.
۴۷. مصباح المتهجد، شیخ طوسی، لیلة النصف من شعبان، مفاتیح، اعمال شب نیمه شعبان.
۴۸. کافی، کتاب الحجة، باب فی شان انا انزلناه.
۴۹. مفاتیح الجنان، بخش زیارات، زیارت امام حسین علیه‌السلام در شبهای قدر.
۵۰. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸.
۵۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ج ۲۴.
۵۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی، المحرم و شرح زیارة الحسین علیه‌السلام، ص ۷۱۳ و ۷۱۴؛ مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.
۵۳. النجم الثاقب، ص ۴۶۹.
۵۴.همان.
۵۵. مستدرک الوسائل ج ۱۱، ص ۱۴ ب ۴۷، ج ۷: (فضیل بن یسار عن ابی عبدالله علیه‌السلام قال: «و هم من خشیة الله مشفقون، یدعون بالشهادة و یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله، شعارهم یا لثارات الحسین علیه‌السلام اذا ساروا یسیر الرعب امامهم مسیرة شهر».
۵۶. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۱۱.
۵۷. دیدار یار، علی کرمی ج ۲، ص ۲۰۰. هر چند مرحوم نهاوندی این گفت و گو را از تشرفات مرحوم بحرالعلوم (ره) به محضر امام زمان (عج) دانسته است؛ ولی مرحوم دربندی (متوفای ۱۲۸۵ هـ ق) در اسرار الشهادات تصریح کرده که این گفت و گو بین مرحوم بحرالعلوم و شاگرد زاهد و عارفش شیخ حسین نجف انجام گرفته است. (اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۴۶، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۰ هـ ق)
۵۸. العبقری الحسان ج ۲، ص ۱۱۴؛ النجم الثاقب، ص ۴۸۴؛ مفاتیح، ص ۷۹۸؛ عنایات حضرت مهدی موعود (عج)، ص ۷۷، عنایات حضرت مهدی(عج) به علما و طلاب، ص ۱۰۱.
۵۹. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۸.
۶۰. العبقری الحسان، ج ۱، ص۹۸، س ۷.
۶۱. شیفتگان حضرت مهدی(عج)، ج ۳، ص ۱۷۲؛ ملاقات با امام عصر، ص ۳۱۵؛ عنایات حضرت مهدی(عج) به علما و

طـــلاب، ص۳۹۷؛ کـلمةالمـختار، ج ۱، ص ۴۴۰.

۶۲. الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

۶۳. النجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.

۶۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۰؛ تـفسیر بـرهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ ایقاظ ،ص ۳۶۰.

۶۵. سورهٔ اسراء، آیهٔ ۶.

۶۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۳، ۱۷۹؛ تـفسیر عـیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ نورالثقلین ج ۳، ص ۱۴۰؛ تفسیر بـرهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

۶۷. گزیدهٔ کـفایة المـهتدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.

۶۸. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۶۲ ؛ ایقاظ، ص ۳۵۲ ؛
فوز اکبر، ص ۳۶.

۶۹. بحار الانوار، ۲۲، ص ۱۷۳؛ شیعه و رجعت، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۷۰. سورهٔ اسراء، آیهٔ ۶.

۷۱. کافی ج ۸، ص ۲۰۶؛ تأویل الأیات الظاهرة، ج ۱، ص ۲۷۸ و ج ۲، ص ۷۶۲؛ مـختصر البصائر ص ۴۸؛ تفسیر برهان ج ۲، ص ۴۰۱، بـحار الانـوار، ج۵۳، ص ۱۳ و ص ۵۱ ص ۵۶؛ تـفسیر عـیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱؛ نـور الثقلین ج ۳، ص ۱۳۸؛ المـحجة ص ۱۲۱؛ الایقاظ ص ۳۰۹.

۷۲. ایقاظ، ص ۳۶۸.